

The Effects of Simulation and Its Rules

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Aurhors

Hosseinzadeh, A.¹ Ph.D. Student
Chehkendi Nezhad, A.²,
Asst. prof

How to cite this article

Hosseinzadeh, A.¹ Ph.D. Student
Chehkendi Nezhad, A.²,
Asst. prof. The Effects of
Simulation and Its Rules Journal
of Quran and medicine, 2019:3(3):
8-19

ABSTRACT

A review of history shows that the expression of theories, inventions and the production of new knowledge about unusual and unlikely phenomenon has always led to chaos among scholars and islamic jurists of different religions. As for the human cloning issue, such an event was not unexpected. Human cloning technology, through existing knowledge, has created increasing concerns among scholars and scholars of religion, ethics and law, whose judgments require scrutiny. Investigating the effects and rulings of this phenomenon from different points of view is the subject of this research because it is one of the hidden issues of jurisprudence and law that its rulings and effects need further investigation. The legal rulings of the simulated human can be related to ancestry, inheritance, nobility, wills, custody and alimony. Regarding the legal effects and rulings of simulation, it should be said that the human beings caused by the simulation have no difference from the point of view of legal provisions and the most important legal effect of human simulation is the realization of similar ancestry. Because kinship is not the truth of the law but is a conventional concept, the similar ancestry is a scholarly productive simulation in many ways and the similar one is ascribed and joined to its natural parents and in terms of the custom, anyone who is considered as the father or mother alike, that person will be ascribed and joined.

Keywords: Simulation, Ancestry, Inheritance, Custody, Alimony, Nobility, Wills.

¹.Ph.D. Student, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

².Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.
(Corresponding author)

* Correspondence:

Address: Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.
(Corresponding author)
Phone:

Article History

Received: November 25, 2019

Accepted: January 30, 2019

ePublished: September 22, 2019

می‌گردد و نمی‌توان برخلاف آن وضعی را به وجود آورد یا توافق نمود. اثر تحقق نسب، در بحث توارث نمود می‌یابد و هرگونه نسب شبیه ثابت شود، خودبه‌خود چگونگی توارث او نیز شکل می‌گیرد. لکن دسته دوم از احکام وضعی مربوط به حقوقی است که شارع مقدس و قانون برای تمامی انسان‌ها از بدو تولد جهت تأمین مصالح مادی و معنوی آنان در نظر گرفته است و شامل حق حضانت، حق داشتن ولی، نفقه و... می‌شود.

آنچه احکام دسته دوم را از دسته اول متمایز می‌سازد، قابلیت جایگزینی و عدم نفوذ تصمیم‌گیری و توافق بر خلاف آن‌ها است. در دسته اول اگر تحقق نسب شبیه با اختلالی مواجه شود، هیچ جایگزینی برای آن وجود ندارد و این موضوعی است که مستقیماً بر توارث او نیز اثر می‌گذارد؛ هم‌چنین نمی‌توان خلاف نسب محقق برای شبیه تصمیم‌گیری یا توافقی نمود؛ اما در دسته دوم اگر مانعی برای استیفای حقوق شبیه به وجود آید، قانون‌گذار با در نظر گرفتن مصالح او، جایگزین‌هایی را پیش‌بینی می‌نماید تا روند رشد و تربیت کودک دچار اختلال نشود. برای مثال اگر والدین کودکی شایستگی سرپرستی و حضانت را نداشته باشند، دادگاه اشخاص دیگری از خویشاوندان را مسئول سرپرستی از طفل می‌نماید. همین‌طور است در مسأله ولایت و نفقه که تصمیم‌گیری و توافق و هم‌چنین حکم دادگاه در تغییر و جایگزینی آن‌ها نافذ است. بر همین اساس این مقاله در نظر دارد که برخی آثار و احکام حقوقی انسان شبیه‌سازی‌شده را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

نسب و ماهیت آن

نقطه ثقل مباحث مربوط به ارتباط شبیه با اصل و صاحب تخمک و رحم، بحث الحاق است و در صورتی که طفل به مرد یا زنی ملحق شود، آن مرد یا زن، پدر و مادر او تلقی می‌شوند و در واقع نسب طفل از سوی پدر و مادر معین می‌گردد. نسب از مفاهیمی است که ارتباط طبیعی، شرعی و قانونی بین یک شخص با اشخاص دیگر به‌عنوان پدر و مادر را مشخص می‌نماید. علاوه بر شرع و قانون، عرف نیز تلقی خاصی از نسب دارد که بیشتر ناظر به ارتباط طبیعی بین یک نفر و والدین او است. در متون روایی و فقهی مباحث زیادی پیرامون نسب شده است ولی در هیچ‌کدام از این مباحث، تعریف خاصی از نسب نشده است؛ برای مثال، در روایات بسیاری، به بحث الحاق شرعی یا غیر شرعی ولد پرداخته‌اند که در متون فقهی از آن، تعبیر به نسب مشروع و نامشروع شده است. هم‌چنین در باب اول از کتاب هشتم قانون مدنی ایران که بحث احکام نسب مشروع و غیر مشروع مطرح شده است، هیچ تعریفی از نسب ارائه نشده و فقط مصادیق هر کدام بیان و چگونگی الحاق ملحوظ شده است.^(۱)

مفهوم نسب

نسب از نظر لغت مصدر و به معنی قرابت و علاقه است^(۲)؛ و گفته‌اند: اتصال چیزی به چیز دیگر است و ربط بین دو چیز است؛ از مصادیق آن ارتباط بین افراد ارحام و اقرباء می‌باشد.^(۳) در زبان فارسی معادل آن را نژاد آورده‌اند که ارتباط ژنتیکی و خونی میان دو یا چند نفر است.^(۴)

در معنای قرابت نیز گفته‌اند، «ایجاد تعلق و ارتباط بین دو چیز»^۱ است. هم‌چنین در مفردات آمده است، نسب طولی، مانند اشتراک

۱. القرباء، منجد الطلاب.

آثار شبیه‌سازی و احکام مربوط به آن

آرزو حسین‌زاده

دانشجوی دکتری تخصصی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

علی چهکنندی‌نژاد*

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

چکیده

مرور تاریخ نشان می‌دهد بیان نظریات، معرفی اختراعات و تولید دانش جدید در زمینه یک پدیده غیرعادی و غیرمتمثل، همواره آشوب و آشفتگی در بین دانشمندان و فقها و مذاهب مختلف به دنبال داشته است. در مورد مسأله شبیه‌سازی انسانی نیز چنین رویدادی دور از انتظار نبود. فناوری شبیه‌سازی انسانی از طریق دانش موجود، نگرانی‌ها و دغدغه‌های روزافزونی را در بین دانشمندان و اندیشمندان دین، اخلاق و حقوق به وجود آورده است که احکام آن به بررسی و مذاقه نیاز دارد. هدف پژوهش حاضر بررسی آثار و احکام شبیه‌سازی از دیدگاه‌های مختلف است، زیرا این پدیده از مسائل ناپیدای فقه و حقوق است که احکام و آثار آن به بررسی‌های بیشتری نیاز دارد. از احکام حقوقی انسان شبیه‌سازی‌شده در متون مورد بررسی می‌توان به نسب، ارث، اهلیت، وصیت، حضانت و نفقه اشاره کرد. بر اساس یافته‌های پژوهش در زمینه احکام و آثار حقوقی شبیه‌سازی باید گفت که انسان‌های ناشی از شبیه‌سازی از منظر احکام حقوقی هیچ تفاوتی با سایر اشخاص ندارند و مهم‌ترین اثر حقوقی شبیه‌سازی انسان، مسأله تحقق نسب شبیه است. بدین لحاظ که نسب، حقیقت شرعی نیست، بلکه یک مفهوم عرفیه است؛ نسب شبیه در صورت مختلف شبیه‌سازی مولد محقق بوده و شبیه به پدر و مادر طبیعی خود ملحق و منتسب است و عرف هر کسی را که مادر یا پدر شبیه بداند، شبیه به آن فرد منتسب و ملحق خواهد شد.

واژگان کلیدی: شبیه‌سازی، نسب، ارث، حضانت، نفقه، اهلیت، وصیت.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۶

*نویسنده مسئول

مقدمه

در نظر گرفتن و شناسایی حق و حقوق برای انسان شبیه‌سازی‌شده لزوماً به معنای به رسمیت شناختن و تأیید مطلق شبیه‌سازی نیست. بلکه به نظر می‌رسد که بدین طریق با تذکر حقوق شبیه و تکالیف اشخاص نسبت به او، بتوان به نوعی از شبیه‌سازی غیرقانونی با اهداف غیرانسانی جلوگیری کرد. وقتی افراد به این نکته واقف باشند که شبیه نیز یک انسان به مفهوم جامع کلمه به شمار می‌آید و دارای تمام حقوق و تکالیف انسانی است، در آن صورت بهتر می‌توان رابطه او را با دیگران از منظر حقوقی تحلیل نمود.

احکام مربوط به آثار شبیه‌سازی مولد در حوزه احوال شخصیه، یا به‌عبارت دیگر احکام وضعی شبیه‌سازی مولد را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود:

دسته اول. احکام وضعی مربوط به ارتباط طبیعی بین شبیه (کلون) و اشخاصی که در تکون او نقش داشته‌اند، مانند: نسب و توارث.

دسته دوم. احکام وضعی مربوط به استیفای حقوق شبیه در حوزه احوال شخصیه، مانند: حق حضانت، اهلیت، نفقه، وصیت و غیره.

دسته اول، ناظر به احکامی است که به‌صورت طبیعی برای شبیه محقق می‌گردد و قابل جایگزینی نیستند. بدین معنا که نسب شبیه از سوی پدر و مادر، به هر گونه‌ای که ملحق به آن‌ها شود، ثابت

نفی نسب از ولد زنا

یکی از امور مسلم فقه شیعه، آن است که شارع مقدس، ولد الزنا را منتسب به هیچ‌یک از پدر و مادرش نمی‌داند و به اصطلاح، نسب او را نفی کرده است. برخی فقها در این باره آورده‌اند به‌رحال نسب با زنا ثابت نمی‌شود، دلیل آن هر دو قسم اجماع است، بلکه امکان دارد ادعای ضروری بودن این مطلب بشود، چه رسد به این که معلوم بودن آن را بخواهیم با روایات یا تواتر آن‌ها در این باره، به اثبات برسانیم^(۱۶).

یکی از آثار نفی نسب ولد زنا آن است که او بر طبق دیدگاه مشهور فقها، از زانی و زانیه ارث نمی‌برد. البته در مقابل دیدگاه مشهور برخی قدمای از فقها، مثل شیخ صدوق و یونس بن عبدالرحمان، معتقد بودند که ولد الزنا از پدر یا مادر خود ارث می‌برد و دلیل آن‌ها نیز بعضی روایاتی است که در این زمینه وارد شده است. حال کسانی که برای نسب مفهومی شرعی قائل‌اند، به نفی نسب از ولد الزنا و محرومیت او از ارث استدلال کرده‌اند که معنای آن این است که مادر و پدر بودن، در دست شارع است، اگر حکم به پدری یا مادری کرد، می‌توان نسب را ثابت نمود در غیر این صورت، نمی‌توان کسی را بر اساس نظر عرف، منتسب به پدر یا مادری کرد^(۱۶).

قاعده الولد للفراش

در فقه قاعده‌ای داریم تحت عنوان این که: «الولد للفراش وللعاهر الحجر» این قاعده از دو جنبه با این بحث مرتبط است. از یک جنبه، مستند کسانی است که برای نسب، مفهوم شرعی قائل‌اند و از جنبه دیگر، در بحث شبیه‌سازی مولد، مستند برای تعیین پدر قرار می‌گیرد. قاعده الولد للفراش یکی از قواعد فقهی است که کلیات آن مورد اتفاق همه فرق اسلامی است. روایات و مستندات آن نیز بسیار زیاد است که چه‌بسا به تواتر آن می‌توان اطمینان کرد. برخی از این روایات این چنین است:

هنگامی که معاویه به امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) اعتراض می‌کند که چرا از زیاد، نفی پدر کرده‌ای؟ امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در جواب می‌فرماید: اما آنچه را درباره نفی پدر از زیاد بیان داشتی، من آن را نفی نکردم بلکه، پیامبر خدا آن را نفی کرده است، آنجا که فرمود: فرزند برای فراش است و برای شخص زناکار سنگ معنای لغوی فراش همان بستر می‌باشد و در اینجا کنایه از کسی که با مادر آن فرزند هم‌بستر است و شوهر او است بنابراین الولد للفراش یعنی لصاحب الفراش^(۱۷).

با دقت در مفاد این قاعده دو مطلب فهمیده می‌شود:

اولاً، این قاعده به قرینه «للعاهر الحجر» در جایی است که زنا محقق شده باشد و ندانیم که این نطفه از آن کیست. آیا برای زناکار است یا شوهر یا مالک کنیز؟ به عبارت دیگر «الولد للفراش» به‌عنوان یک اماره شرعی است و مثبت حقیقت شرعی نیست، هرچند از این اماره در اثبات نسب پدر برای شبیه در کلونینگ یا در لحاق مصنوعی استفاده می‌گردد.

ثانیاً، این قاعده مربوط به جایی است که امکان لحوق ولد به شوهر این زن وجود داشته باشد؛ اما در جایی که یقین به تعلق سلول (چه نطفه یا سلول جسمی) به شخص دیگری باشد، این قاعده جاری نمی‌شود.

از استدلالات و تعاریفی که در باب مفهوم و ماهیت نسب ارائه شد چنین نتیجه می‌گیریم که با توجه به عدم تعریف ماهیت نسب از سوی شارع مقدس و قانون‌گذار ایران، می‌توان ادعا کرد که مقنن

از پدران و فرزندان و نسب عرضی مانند نسبت بین فرزندان برادران و پسرعموها^(۱۵). البته نسب یک مفهوم مشکک و مدرج است و به میزان نزدیکی و دوری افراد از هم، تفاوت می‌کند، یقیناً فرزند انسان از عموزاده به او نزدیک‌تر است. گرچه هر دو خویشاوند نسبی به شمار می‌روند. به‌رحال لغت‌شناسان در تعریف آن گفته‌اند: «نسب عبارت است از یک نوع رابطه خونی میان دو نفر که به سبب تولد یکی از آنان از دیگری و یا تولد هر دو از شخص ثالث، تحقق می‌یابد»^(۱۶).

برخی حقوق‌دانان در تعریف آن گفته‌اند: نسب به معنای خویشاوندی و امری است که به انعقاد نطفه از نزدیکی زن و مرد به وجود می‌آید. از این امر، رابطه طبیعی خونی بین طفل و آن دو نفر که یکی پدر و دیگری مادر باشد، موجود می‌گردد^(۱۷)؛ و برخی گفته‌اند: نسب رابطه خونی و حقوقی است که پدر و مادر را به فرزندان آنان مربوط می‌کند^(۱۸). هم‌چنین اظهار داشته‌اند که: نسب عبارت است از رابطه خویشاوندی بین دو نفر که یکی از نسل دیگری یا هر دو از نسل شخص ثالث باشند که به این معنی مترادف با «قرابت نسبی» است که یک رابطه طبیعی و خونی بین خویشاوندان نسبی خط مستقیم یا خط اطراف است^(۱۹).

برخی از فقهای امامیه، نسب را این‌گونه تعریف کرده‌اند: مراد از نسب اتصال یک شخص به شخص دیگر به سبب ولادت است چه یکی از آن‌ها به دیگری منتهی شود یا این که هر دو به شخص ثالثی به وجه شرعی منتهی گردند^(۲۰)؛ و هم‌چنین آورده‌اند که نسب همان اتصال به سبب ولادت است به این صورت که یکی از دو نفر به دیگری منتهی شود مانند پدر و پسر، یا هر دو به شخص ثالثی منتهی شوند با صدق عنوان نسب عرفاً^(۲۱). یا گفته‌اند: مراد از نسب ارتباط بین دو نفر است که از ولادت یکی از دیگری با ولادت هر دو از شخص ثالث حادث می‌گردد^(۲۲).

ایرادی در تعاریف فوق مشاهده می‌شود که بیان می‌دارد: (۱) بین امر اعتباری و منشأ اعتبار خلط شده است^(۲۳)؛ و (۲) حقیقت و ماهیت نسب در هیچ‌یک از تعاریف تبیین نشده و هم‌چنین مشخص نیست که به چه دلیل به‌وسیله ولادت یا رابطه طبیعی، فرزند به پدر یا مادر منتسب می‌گردد؟ که در این رابطه می‌توان دو دیدگاه را بیان کرد:

دیدگاه نخست، معتقد است که در اسلام نسب دارای مفهوم خاص و معنای اصطلاحی نیست بلکه، در تعیین نسب باید به عرف مراجعه کرد و فقط عرف است که ملاک برای تعیین نسب می‌باشد. برای اثبات این مطلب، همین بس که عرف می‌گوید، صاحب نطفه (اسپرم یا حتی سلول جسمی) عنوان پدر را دارد و صاحب تخمک عنوان مادر. لذا برخی از فقها در تأیید آن آورده‌اند: نسب عرفی ملاک و معیار ترتب احکام شرعی است و برای نسب اصلاً حقیقت شرعی وجود ندارد و اصل هم عدم نقل مفهوم نسب عرفی به مفهوم شرعی آن است^(۲۴).

دیدگاه دوم، بر آن است که نسب حقیقت شرعی و اصطلاحی خاص دارد. صاحبان این دیدگاه، بر اساس برخی از مستندات و دلایل، معتقدند که نسب در اسلام مفهومی خاص دارد و برای تعیین نسب باید نظر شارع را جویا شد. پس در بحث‌هایی مانند تلقیح مصنوعی و شبیه‌سازی مولد، نمی‌توان دیدگاه عرف را ملاک و معیار برای تشخیص نسب قرار داد^(۲۵).

مستندات و دلایل اصلی این دیدگاه بر دو محور نفی نسب از ولد زنا و قاعده الولد للفراش دور می‌زند:

لذا باید پدر و مادر صاحب هسته سلول جسمی که موجب تشکیل این سلول شده‌اند و از همان سلول، شبیه ساخته شده است، به‌عنوان پدر و مادر شبیه محسوب گردند، هم چنان که والدین اصل می‌باشند. تنها فرقی که بین اصل و شبیه در این رابطه وجود دارد، از این ناحیه است که در ایجاد اصل، پدر و مادر مستقیماً نقش و شراکت داشته‌اند، در حالی که در ایجاد شبیه با واسطه عمل کرده‌اند و از سلولی که آن‌ها در گذشته پدید آورده‌اند و اکنون جزء اجزاء اصل است، شبیه ساخته شده است.

بر این فرض نقدهای بسیاری وارد شده است که در نهایت بیان می‌دارد ادعای برادری یا خواهری شبیه با اصل نمی‌تواند مورد پذیرش واقع شود.

چگونگی انتساب شبیه به پدر

وجود پدر برای شبیه هنگامی مطرح می‌شود که شبیه‌سازی بین یک مرد و یک زن اتفاق افتد. این بحث دو حالت دارد: حالت اول وقتی است که زن و مرد با هم بیگانه باشند و نکاحی بین آن‌ها وجود نداشته باشد. حالت دوم هنگامی متصور است که شبیه‌سازی در دایره زوجیت انجام شود که بر اساس استدلالات بیان شده قطعی‌ترین نوع شبیه‌سازی مولد مشروع می‌باشد.

۱. نسب پدری شبیه در حالت وجود رابطه زوجیت

همان‌گونه که در بحث مفهوم نسب از منظر فقه امامیه و حقوق ایران مطرح شد، آنچه به‌عنوان نسب و الحاق فرزند به پدر و مادر دارای اعتبار است، یک مفهوم عرفی است و برای نسب حقیقت شرعیه اثبات نشده است و رأی وحدت رویه مذکور نیز مؤید آن است.

از طرف دیگر «ولد» (ول د) در لغت عبارت است از: خروج و تولید پیدایشی (تکون) یک شیء از شیء دیگر. بارزترین مصداق این معنا ولادت طبیعی است که عناصر مکون یا مولد، اصطلاحاً پدر و مادر خوانده می‌شوند.^(۲۱)

بر اساس تفسیر عرفی از نسب و هم‌چنین معنای ولادت، مانعی از اطلاق کلمه ولد بر شبیه نیست و می‌توان گفت در این فرض، شبیه در دایره زوجیت به پدر ملحق می‌شود، زیرا این مرد هم در تکوین او نقش داشته (به‌وسیله هسته سلول جسمی) و هم اماره فراش جاری است و این شبیه در فراش او متولد شده است، پس عرف او را پدر طفل شبیه‌سازی شده می‌داند. برخی از فقها نیز بر اساس همین برداشت عرفی و کاشفیت عرف از نسب واقعی گفته‌اند: شخصی که برای شبیه‌سازی از او سلول گرفته می‌شود، اگر مرد باشد، پدر این طفل است.^(۲۲)

۲. نسب پدری شبیه در حالت عدم وجود رابطه زوجیت

اگر قائل به عدم مشروعیت امتزاج سلول جسمی مرد و تخمک تهی شده زن بیگانه و ورود آن به داخل رحم آن زن باشیم، نمی‌توانیم بگوییم که برای طفل متولد شده، نسبی متصور نیست؛ یعنی حرمت عمل ارتکابی به تحقق نسب لطمه‌ای وارد نمی‌کند و حتی مشروعیت نسب را نیز خدشه‌دار نمی‌کند، چون دلیلی برای عدم تحقق نسب یا عدم مشروعیت نسب نداریم؛ زیرا در حالی که هسته سلول جسمی از مرد با تخمک زن ممزوج شود و داخل رحم قرار گیرد، هیچ‌کدام از شرایط، نه ادخال و نه امانت، تحقق نمی‌پذیرد. از این‌رو، وحدت ملاکی برای عدم الحاق وجود ندارد. از طرف دیگر، به فرض که اصل عمل تولیدمثل در میان غیر زوجین به طریق کلونینگ نامشروع باشد، این نامشروعیت سرایت به نسب ندارد و دلیلی در دست نیست که نسب نیز نامشروع باشد و

در رابطه با حقیقت نسب از عرف پیروی می‌کند و به‌اصطلاح اصولی، در مورد عنوان نسب، حقیقت شرعیه وجود ندارد، البته این بدان معنا نیست که نسب، اعتباری محض است و هیچ‌گونه وجود حقیقی ندارد، بلکه نسب از اعتبارات نفس‌الأمری است و دارای منشأ اعتبار واقعی است.^(۱۸)

در تأیید این نظر، در رأی هیئت عمومی دیوان عالی کشور آمده است: به‌موجب بند الف ماده یک قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ یکی از وظایف سازمان ثبت احوال، ثبت ولادت و صدور شناسنامه است و مقنن در این مورد بین اطفال متولد از رابطه مشروع و نامشروع تفاوتی قائل نشده است و تبصره ماده ۱۶ و ۱۷ قانون مذکور نسبت به مواردی که ازدواج پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد و اتفاق در اعلام ولادت و صدور شناسنامه نباشد یا این‌که ابوی طفل نامعلوم باشد، تعیین تکلیف کرده است؛ لیکن در مواردی که طفل ناشی از زنا باشد و زانی اقدام به اخذ شناسنامه نماید با استناد به عموماً و اطلاق مواد یاد شده و مسأله ۶۷ از موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی (رضوان‌الله تعالی علیه)، زانی پدر عرفی طفل تلقی و در نتیجه کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه بر عهده وی می‌باشد و حسب ماده ۸۸ قانون مدنی صرفاً موضوع توارث بین آن‌ها منتفی است.^(۱۹)

تعیین نسب انسان شبیه‌سازی شده

در مورد نسب انسان شبیه‌سازی شده، بحث نخست درباره ارتباط شبیه با اصل (دهنده هسته سلول جسمی) می‌باشد که دو فرض در این مورد مطرح شده است:

یک فرض این است که ارتباط شبیه با اصل، برادری یا خواهری است. فرض دیگر، این است که ارتباط شبیه با اصل، ارتباط بین فرزند و والدین است و بنابراین اگر دهنده سلول جسمی (اصل)، مرد باشد، اصل، پدر شبیه است.

بحث دیگری که در این ارتباط مطرح است، مسأله ارتباط نسبی شبیه با دهنده تخمک و صاحب رحم است؛ آیا می‌توان دهنده تخمک تهی شده از هسته که صاحب رحم است را، مادر شبیه فرض نماییم یا خیر؟ و در صورتی که برای حمل جنین از رحم جایگزین استفاده شود، نسب مادری چگونه تعیین می‌گردد؟

فرض برادر یا خواهری شبیه با اصل

برخی صاحب‌نظران، با اعتقاد به این‌که صاحب اسپرم و تخمک، پدر و مادر فرزند می‌باشند یا به عبارتی می‌توان گفت ژنوم فرزند، حاصل ترکیب ژن‌های پدر و مادر می‌باشد که مختص آن فرزند است و این ترکیب ژنتیکی فقط خاص یک فرد می‌باشد مگر این‌که دوقلوی همسان باشند، شبیه را برادر یا خواهر اصل می‌دانند. در واقع می‌گویند فرد شبیه‌سازی شده با کسی که شبیه ژنتیکی او است (یعنی اصل) دوقلو محسوب شده که با تفاوت زمانی متولد شده‌اند و با او برادر یا خواهر است و پدر و مادر او هم پدر و مادر اصل است.^(۲۰)

توضیح این‌که والدین از طریق اسپرم و تخمک در شکل‌گیری اولین سلول نقش دارند. سلول اولیه در مسیر تکثیر و تکامل به یک انسان منتهی می‌گردد و ما صاحبان اسپرم و تخمک را که بانی سلول اولیه بوده‌اند به‌عنوان پدر و مادر نوزاد می‌شناسیم؛ اما در شبیه‌سازی مولد، صاحب هسته سلول جسمی (اصل) باعث ایجاد سلول اولیه نمی‌گردد بلکه یکی از سلول‌های آماده و لقاح یافته او (که از طریق پدر و مادر ایجاد شده) مبنای تشکیل شبیه می‌گردد

۲. نسب مادری در حالتی که دهنده سلول جسمی (اصل) زن باشد

اگر هسته سلول جسمی از یک زن گرفته شود و مردی در تکون طفل نقش ایفا ننماید، دو حالت قابل تصور است: حالت اول، وقتی است که هسته سلول جسمی از همان زن صاحب تخمک و رحم اخذ شود و حالت دوم، هنگامی که هسته سلول جسمی از زن بیگانه گرفته شود و با تخمک این زن ممزوج و در رحمش جایگزین شود.

در حالت اول که صاحب هسته سلول جسمی، تخمک تهی شده و رحم فقط یک زن است - که بارزترین نوع شبیه‌سازی انسانی بدون دخالت شخص ثانی است - هیچ اشکالی در انتساب شبیه به اصل به‌عنوان مادر وجود ندارد. در واقع این زن هم از نظر کروموزومی، مگون شبیه خویش است و هم به‌وسیله سیتوپلاسم موجود در تخمک، عوامل وراثتی فراکروموزومی را به او منتقل می‌نماید که با پرورش او در رحم خویش و زاییدنش، به‌طور یقینی همه پارامترهای مادری را برای خویش ثبت می‌نماید. عرف چنین زنی را مادر شبیه می‌داند و بنابراین نسب عرفی برای شبیه نسبت به مادرش محقق است که البته مشروع نیز می‌باشد؛ چه این که نسب، چیزی جز مفهوم عرفیه اش نیست.

در حالت دوم، آنچه بحث برانگیز است، تعیین نسب مادری، هنگامی است که صاحب هسته سلول جسمی یک زن و صاحب تخمک تهی شده و رحم، زن دیگری باشد؛ در این حالت، چه کسی مادر شبیه است؟

آنچه از منظر علم پزشکی مسلم است و قبلاً هم به آن اشاره شد، زنی که صاحب هسته و کروموزوم است را اصل می‌گویند به این دلیل که شبیه، از نظر ویژگی‌های ژنتیکی بسیار به او شباهت دارد. در واقع این زن عوامل وراثتی - ژنتیکی کروموزومی را به شبیه منتقل می‌کند؛ اما همان‌گونه که اثبات نمودیم، زن دیگر که صاحب تخمک تهی شده از هسته است، به‌وسیله ویژگی‌های ژنتیکی که از طریق سیتوپلاسم موجود در تخمک، به شبیه منتقل می‌شود، نیز در انتقال عوامل وراثتی - ژنتیکی فرا کروموزومی نقش ایفا می‌نماید. هرچند غلبه ظاهری توارث صفات و عوامل ژنتیکی در شبیه، از زنی است که هسته سلول جسمی را در اختیار گذاشته است، لکن بحث تعیین مادر او، مربوط به غلبه صفات ژنتیکی در شبیه نیست و به‌هرحال زن صاحب تخمک تهی شده نیز، ولو اندک، صفات ژنتیکی را به شبیه منتقل کرده است؛ ثانیاً زن صاحب تخمک، علاوه بر این، شبیه را در رحم خود پروراند و به دنیا آورده است.

در بررسی این موضوع چهار مسأله وجود دارد که در ذیل آمده است:

الف) ولادت، ملاک انتساب طفل به مادر

بر اساس این نظریه که برخی فقها آن را بیان کرده‌اند، زنی که طفل را در رحم خویش پرورش می‌دهد و او را به دنیا می‌آورد، مادر است و این مسأله اعم است از این که چنین زنی صاحب تخمک باشد یا نباشد یا در فرض صاحب نیمی از تخمک باشد^(۲۶).

براین نظریه نقدهایی وارد شده و آن را رد کرده و بیان می‌دارد که تنها ولادت ملاک انتساب نیست.

ب) تکون از تخمک، ملاک انتساب طفل به مادر

با رد شدن نظریه ولادت در ملاک انساب طفل به مادر و هم‌چنین به دلایلی که بیان خواهد شد، تکون از تخمک ملاک و معیار اصلی است؛ زیرا صفات ژنتیکی از تخمک به طفل (در موضوع ما شبیه) منتقل می‌گردد و صاحب تخمک است که ویژگی‌های ژنتیکی مشترک با شبیه دارد. طرفداران این نظریه معتقدند که

الحاق صورت نگیرد. اگر این‌گونه شبیه‌سازی مولد که در ارتباط با زوجین شرعی نیست اتفاق بیفتد و قائل به حرمت چنین عملی باشیم دلیلی وجود ندارد که طفل به پدر و مادر طبیعی‌اش ملحق نگردد و برای او نسبی در نظر گرفته نشود. حتی در مورد ولد الزنا هم نسب عرفی وجود دارد که به طریق اولی در این زمینه نسب موجود است. هم‌چنین در بحث وطی به شبهه، شرع مقدس اسلام و قانون مدنی به پیروی از آن (ماده ۱۱۹۵ ق.م) نسب مشروع برای نوزاد متولد در نظر گرفته است، در اینجا نیز خصوصیتی ویژه وجود ندارد که به عدم تحقق نسب حکم نماییم؛ بنابراین شبیه در این مورد نیز به پدر طبیعی ملحق می‌شود و قابلیت انتساب وجود دارد^(۲۷).

چگونگی انتساب شبیه به مادر

این محبت از دو نوع قابل بررسی است: نوع اول، هنگامی که دهنده هسته سلول جسمی مرد باشد (چه شوهر زن یا مرد بیگانه) و نوع دوم، هنگامی که هسته دهنده سلول جسمی زن باشد که این خود نیز در دو حالت مذکور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. نسب مادری در حالتی که دهنده سلول جسمی (اصل) مرد باشد

این فرض که دهنده تخمک تهی شده هیچ نقشی در تکون و انتقال عوامل وراثت ژنتیکی ندارد، کاملاً نادرست است و در واقع سیتوپلاسم باقی‌مانده در تخمک، یک سری ویژگی‌های وراثتی را به طفل منتقل می‌نماید که از آن به‌عنوان «عوامل توارث فرا کروموزومی» یاد می‌شود. از این جهت، زنی که صاحب تخمک تهی شده است، به دلیل نقش داشتن در تکون و عوامل وراثتی، از نظر عرف، مادر طبیعی طفل محسوب می‌شود.

در حالتی که مرد صاحب هسته سلول جسمی، همسر این زن باشد، به‌هیچ‌عنوان نمی‌توان از آن‌ها نفی ولد و نسب نمود؛ به طریق اولی وقتی شبیه در رحم این زن پرورش یابد، با کلیه مبانی فقهی ما تحقق نسب مسلم است.

از سوی دیگر، مفهوم مادری، یک مفهوم تأسیسی شارع نیست که تعریف آن از شارع گرفته شود، بلکه امری عرفی است و باید دید عرف چه کسی را مادر طفل می‌داند و حکم مادری را بر او مترتب می‌نماید^(۲۳). هم‌چنین فقهای شیعه، در الحاق فرزند به زنی که او را زاییده است، اتفاق نظر دارند و در این مورد تردید نمی‌کنند (مخصوصاً در جایی که تخمک نیز از آن همین زن باشد)؛ زیرا کافی است که فرزند از زنا نباشد تا به او منتسب شود^(۲۴).

فرقی نمی‌کند که صاحب هسته سلول جسمی، شوهر زن باشد یا مرد بیگانه؛ زیرا فارغ از اینکه عملیات شبیه‌سازی مولد در چنین فرضی مشروع است یا نه تحقق نسب با مانعی مانند زنا روبه‌رو نیست. به همین جهت حتی برخی از فقهای شیعه که مخالفت خود را با اصل شبیه‌سازی اعلام کرده‌اند، درباره مشروعیت و تحقق نسب در این باره، این‌گونه اظهار نظر کرده‌اند: در مشروع بودن این پدر و مادر، عقد شرعی شرط نیست؛ زیرا عقد شرعی در جایی لازم است که فرزند از طریق تلقیح سلول‌های جنسی به دنیا بیاید^(۲۲). برخی دیگر از فقها گفته‌اند: چنین طفلی، فرزند طرفین (پدر و مادر) محسوب می‌شود، در صورتی که رابطه زوجیت وجود داشته باشد و اگر رابطه زوجیت نباشد، در حکم ولد شبهه است از طرفی می‌دانیم که ولد شبهه به پدر و مادر طبیعی خود ملحق می‌شود و نسبش هم از نظر قانون مدنی و هم شرع مقدس اسلام، مشروع و مسلم است. (ماده ۱۱۹۵ ق.م). به‌هرحال در وجود نسب مادری برای شبیه چه مرد صاحب هسته سلول جسمی شوهر باشد یا مرد بیگانه، تردیدی وجود ندارد^(۲۵).

ملاک مادر بودن در نظر عرف، همانند ملاک پدر بودن است. عرف زنی را که نخستین مرحله آفرینش و پیدایش جنین سهم دارد، به‌عنوان مادر تلقی می‌کند؛ و او کسی جز صاحب تخمک نیست. تغذیه این کودک از رحم که پس از این مرحله صورت می‌گیرد، تنها سبب رشد کودک می‌شود و هیچ نقش دیگری ندارد؛ بنابراین پرورش در رحم و طی مراحل رشد، متأخر از انتقال صفات وراثتی و منشأ پیدایش اولیه که همان تخمک (از طرف مادر) است، می‌باشد.

ملاک مادر بودن در نظر عرف، همانند ملاک پدر بودن است. عرف زنی را که نخستین مرحله آفرینش و پیدایش جنین سهم دارد، به‌عنوان مادر تلقی می‌کند؛ و او کسی جز صاحب تخمک نیست. تغذیه این کودک از رحم که پس از این مرحله صورت می‌گیرد، تنها سبب رشد کودک می‌شود و هیچ نقش دیگری ندارد؛ بنابراین پرورش در رحم و طی مراحل رشد، متأخر از انتقال صفات وراثتی و منشأ پیدایش اولیه که همان تخمک (از طرف مادر) است، می‌باشد.

ج) تطبیق ملاک تکون بر موضوع تشکیل تخمک از سوی دو زن

زمانی که در تشکیل تخمک، دو زن نقش داشتند، یکی صاحب تخمک تهی شده و سیتوپلاسم و دیگری صاحب هسته سلول جسمی؛ برخی از فقها، هر دو زن را مادر شبیه به حساب می‌آورند: «صاحب سیتوپلاسم و هسته، مادر به شمار می‌روند؛ زیرا مادر عرفاً همان صاحب تخمک به شمار می‌رود و این دو زن، صاحب تخمک‌اند و اگر هم عرف تعدد مادران را نپذیرد، آن‌طور که ادعا می‌شود، به دلیل عدم احاطه بر مصداق است، نه بر اثر عدم قبول مفهوم و خطای عرف در مصداق اعتباری ندارد»^(۲۳).

د) نظر برگزیده

واقع این است که هر دو زن در این نوع از شیبه‌سازی مولد، نقش خود را در انتقال عوامل وراثتی و تکون شبیه ایفا می‌کنند و بعید نیست که تعدد مادران را بپذیریم؛ اما با تطبیق مسأله به نوع دیگری از شیبه‌سازی مولد که در آن دهنده سلول جسمی یک مرد باشد و هسته این سلول در تخمک تهی شده زنی قرار گیرد نتایج جالب توجهی به دست می‌آید:

اولاً پذیرفتیم که این مرد پدر شبیه است و زن صاحب تخمک تهی شده مادر او؛ بنابراین در نوع موضوع بحث نیز باید زنی که صاحب تخمک تهی شده و سیتوپلاسم است را به‌طور قطع مادر شبیه به حساب آوریم.

ثانیاً وقتی انتساب شبیه به پدری که دهنده هسته سلول جسمی است را می‌پذیریم نمی‌توانیم انتساب شبیه به زنی که دهنده هسته سلول جسمی می‌باشد را نفی کنیم و او را مادر به حساب نیاوریم ولی حداقل می‌توانیم بگوییم که این مادر، چیزی بیشتر از مادر رضاعی نیست و از این‌رو در بحث‌هایی چون ارث، حضانت و حتی ثبوت مفهوم عرفی نسب، زن صاحب تخمک تهی شده اولی است.

اکنون باید گفت: مادری که صاحب تخمک تهی شده و سیتوپلاسم است، قطعاً از منظر عرف، مادر به حساب می‌آید و عرف کسی را مادر می‌داند که ویژگی‌های وراثتی و ژنتیکی را از طریق تخمک منتقل کند. پس شبیه اولاً و بالذات به این مادر ملحق و منتسب است. مادر دیگر که او نیز ویژگی‌های وراثتی و ژنتیکی را از طریق هسته سلول جسمی منتقل کرده است، از نظر عرف نمی‌توان نفی مادری از او نمود، چون او نیز در انتقال صفات وراثتی نقش داشته است ولی در همین حد باقی می‌ماند و این عدم جواز عرف برای نفی نام مادری از او، به ثبوت احکام ارث و حضانت و... برایش نخواهد انجامید؛ نهایت این است که با دلایل فوق‌الذکر، نشر حرمت در احکام مصاهره برای این مادر و فرزندان مسلم خواهد بود.

اهلیت و انواع آن برای انسان شبیه‌سازی‌شده

انسان به‌واسطه شخصیتی که قانون و جامعه برای او لحاظ نموده است، دارای حقوق است و در مقابل این حقوق، تکالیفی نیز بر عهده دارد و برای اینکه بتواند از حقوق خود استفاده کند نیازمند

اهلیت تمتع

اهلیت تمتع عبارت از قابلیت است که به اعتبار آن فرد می‌تواند دارای حق شود و مورد تکالیف قرار گیرد. اهلیت تمتع ملاک شخصیت حقوقی می‌باشد.^(۲۴) قانون مدنی در خصوص اهلیت تمتع در ماده ۹۵۶ مقرر می‌دارد: «اهلیت برای دارا بودن حقوق، با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود.» بنابراین تنها شرط داشتن شخصیت و قابلیت دارا شدن حق، زنده متولد شدن است و شروط دیگری مانند مشروعیت نسب و یا تولیدمثل از طریق تلقیح طبیعی ملاک نیست. لذا نتیجه می‌گیریم: اطفال شبیه‌سازی‌شده به‌شرط زنده متولد شدن قابلیت دارا شدن حق را دارند و از این لحاظ با افراد دیگر هیچ تفاوتی ندارند.

اهلیت استیفا

همان‌گونه گفته شد اطفال، جدای از اینکه از چه روشی متولد شده‌اند، دارای حق تمتع هستند. اشخاص برای اینکه بتوانند از حقوق بهره‌مند شوند نیازمند این هستند که قدرت اعمال حقوق خود را داشته باشند. اهلیت استیفا این‌گونه تعریف شده است: صلاحیت شخص برای به کار بردن حقی که دارا شده است مانند صلاحیت کبیر برای معامله در اموال خود که در حال صغر آن‌ها را از پدر به ارث برده است.^(۲۵)

امکان دارا شدن حق با زنده متولد شدن محقق می‌شود ولی امکان اجرای این حق بستگی به تحقق شرایطی دارد. ماده ۹۵۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هر انسانی متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچ‌کس نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت داشته باشد.»

در واقع این شرایط به خاطر ایجاد محدودیت نیست بلکه جنبه حمایتی دارد، زیرا اگر فردی را که از لحاظ عقلی به کمال نرسیده در اداره اموال خود صاحب اختیار بدانیم ممکن است اقدامی که به ضرر اوست انجام بدهد.

قانون مدنی در دارا شدن حق استیفا هیچ تبعیضی بین افراد قائل نشده است. ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به‌عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر این که عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد»

از آیت‌الله مکارم شیرازی در خصوص تشرف اشخاص شبیه‌سازی‌شده به دین اسلام سؤال شد، پاسخ دادند: تشرف چنین انسانی به دین اسلام بی‌مانع است^(۲۸). ایشان در خصوص ازدواج این افراد بیان نمودند: «ازدواج و نکاح او با هر کس جز محارم، یعنی کسی که از او سلول گرفته شده یا در رحم او پیوند زده شده است، بی‌مانع است.» با توجه به مقدماتی که گفته شد در مجموع نتیجه گرفته می‌شود که اشخاص شبیه‌سازی‌شده مانند سایر افراد دیگر می‌توانند دارای حق استیفا باشند.

ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند: ۱- صغار ۲- اشخاص غیر رشید ۳- مجانین.

ارث انسان شبیه‌سازی‌شده

هنگامی که شبیه را فرزند اصل یا صاحب تخمک تهی شده و رحم یا فرزند هر دو دانستیم، به‌صورت طبیعی چنین فرزندی با پدر و

ج) در صورتی که انسان شبیه‌سازی شده دو مادر دارد

در موردی که صاحب هسته سلول جسمی (اصل) یک زن باشد و تخمک تهی شده به همراه رحم را زن دیگر، در اختیار قرار دهد، برای شبیه دو مادر متصور است که هر دو در تکون او نقش ایفا نموده‌اند. مستفاد از نتایج آن، نسب مادری طفل از طرف کسی است که تخمک تهی شده و رحم را در اختیار قرار داده است و زن دیگر از جهت نشر حرمت احکام مصاهره و حداکثر در حد مادر رضاعی (بدون قیاس با آن) می‌باشد. از این رو، توارث شبیه در این فرض کاملاً روشن است، زیرا نسب او به مادر صاحب تخمک می‌رسد و به او ملحق می‌گردد، لذا مشمول عموماً ارث می‌شود و مانعی برای او از این جهت متصور نیست.

در مورد ارث‌بری از زنی که نشر حرمت احکام مصاهره را در موردش پذیرفتیم، باید گفت شبیه از چنین زنی ارث نمی‌برد، زیرا ثبوت ارث متوقف بر ثبوت نسب است و هرگاه ثبوت نسب با تردید مواجه شود و در اطلاق ولایت شبیه برای این زن تردید داشته باشیم، نمی‌توانیم او را داخل در دایره کسانی بدانیم که از ترکه ارث می‌برند.

وضعیت ارث انسان شبیه‌سازی شده بعد از فوت اصل

یکی از موارد شبیه‌سازی انسانی، مربوط به حالتی است که هسته سلول جسمی از یک نفر در آزمایشگاه به صورت منجمد موجود باشد یا به هر صورت دیگر نگهداری شود و پس از فوت او با تخمک تهی شده زنی همزوج گردد و پیش رویان تولید و در رحم زن جایگزین گردد. در این صورت پیش رویان در زمان حیات یا حین الموت منعقد و موجود نبوده است بلکه پس از آن پدید آمده است.

حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا این پیش رویان و جنین حاصل از آن مشمول عموماً ادله ارث خواهد بود یا خیر؟ یعنی آیا عموم آیه ۱۱ سوره شریفه نسا «یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الأنثیین» می‌شود یا این که باید به‌ظاهر ماده ۸۷۵ قانون مدنی توجه نمود و گفت: نطفه یا پیش رویان حمل، حین الموت موجود و منعقد نبوده است و بنابراین شبیه نمی‌تواند از اصل ارث ببرد؟

ظاهر ماده ۸۷۵ قانون مدنی، این است که شرط مذکور در آن، مفهوم مخالف دارد و این که بیان کرده است: «... اگر حملی باشد در صورتی ارث می‌برد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود اگرچه فوراً پس از تولد بمیرد»، مفهوم مخالفش این است که اگر نطفه یا در اینجا پیش رویان حمل حین الموت منعقد نباشد، ارث نمی‌برد. ماده ۹۵۷ قانون مدنی در باب تمتع از حقوق مدنی، بحثی پیرامون موجود بودن حمل حین الموت را مطرح نکرده است؛ این ماده اظهار می‌دارد: «حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط بر این که زنده متولد شود». تنها نکته‌ای که در این ماده بیان شده است، مربوط به شرط زنده متولد شدن است؛ اما به‌رحال عمومیت حمل در ماده ۹۵۷ قانون مدنی، به‌وسیله ذیل ماده ۸۷۵ همان قانون، تخصیص می‌خورد و می‌گوید نطفه حمل باید حین الموت منعقد باشد یعنی حملی از حقوق ارثیه بهره‌مند است که علاوه بر زنده متولد شدن، نطفه او نیز حین الموت موجود و منعقد باشد.

پس از نظر قانون مدنی اولین شرط تحقق ارث موجود بودن وارث (در اینجا موجودیت حمل) در زمان فوت مورث است چرا که ارث باعث انتقال قهری اموال مورث به وارث می‌گردد و منتقل الیه باید موجود باشد تا قابلیت تملک داشته باشد.

مادر خویش رابطه توارث برقرار می‌کند و مسأله ارث او مشمول عموماً و مطلقاتی است که در این باره وارد گردیده است.

بر اساس نصوص وارد شده درباره ارث، منسوبین به میت اقسامی دارند و برای هر یک، به ترتیبی که در قرآن کریم آمده و در مباحث فقهی - حقوقی مدون گردیده است، حصه معینی وجود دارد. شبیه نیز خالی از یکی از عناوین دختر، پسر، خواهر یا برادر نیست؛ بنابراین بر اساس مباحث پیشین، اگر ثابت شود که فرد متولد از طریق همانندسازی، فرزندی است که منتسب به پدر و مادرش می‌باشد، مسأله داخل در دایره مشمول عموماً و اطلاقات ارث است، مانند آیه شریفه زیر: خداوند شما را درباره فرزندانان توصیه می‌کند که برای مذکر به اندازه دو مؤنث است^(۲۹). پس بر فرض انتساب شبیه به اصل و صاحب تخمک، قضیه کاملاً روشن است و بر اساس قواعد مربوط به ارث عمل خواهد شد.

وضعیت ارث انسان شبیه‌سازی شده بعد از فوت والدین**الف) شرایط تحقق ارث در حالات عمومی**

با توجه به این که مطابق ماده ۸۹۱ قانون مدنی ایران، نسب یکی از موجبات ارث شناخته شده است، مسأله ارث شبیه، تابع ثبوت یا عدم ثبوت نسب میان طفل و صاحبان هسته سلول جسمی و تخمک تهی شده به همراه رحم است. چنان چه رابطه نسبی میان آن‌ها، به رسمیت شناخته شود، توارث میان آن‌ها نیز برقرار می‌گردد و برعکس هرگاه رابطه نسبی، میان کودک و والدین او برقرار نشود، مسأله توارث میان آن‌ها نیز سالبه به انتفای موضوع خواهد بود؛ اما چنان که دیدیم نسب یک مفهوم عرفی است و شکی در تحقق نسب برای شبیه وجود ندارد؛ بنابراین در حالات مختلف که عناوین فرزندی یا خواهری و برادری به شبیه صادق باشد، مسأله توارث نیز محقق خواهد بود.

در مورد دوران جنینی شبیه نیز می‌توان گفت: بنا بر ماده ۹۵۷ قانون مدنی، «حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط به این که زنده متولد شود» و این حکم شامل پیش رویان و جنین ناشی از شبیه‌سازی نیز خواهد شد، زیرا عنوان «حمل» عرفاً بر او صادق است.

ب) در صورت عدم رابطه زوجیت بین دهنده هسته سلول جسمی و صاحب تخمک تهی شده

همان‌گونه که بیان کردیم، قانون مدنی یکی از موجبات تحقق ارث را رابطه نسبی می‌داند. (ماده ۸۹۱ ق.م) بر این اساس اگر رابطه نسبی برای طفلی ثابت شد، حتماً ارث نیز برای او محقق خواهد بود. در مورد ولد الزنا نیز حکم خاص، عموماً مربوط به توارث را تخصیص زده است و بنابراین عدم الارث در زنا، محدود به همان مورد است، هرچند برای ولد الزنا نسب عرفی قائل باشیم.

اما اشکال مقدر همین‌جاست که حکم مورد زنا در عدم الارث را بتوان به موردی که بین دهنده هسته سلول جسمی و صاحب تخمک تهی شده، رابطه زوجیت وجود ندارد، تسری داد و در اینجا نیز قائل به عدم الارث گردید. پاسخ این اشکال به ثبوت یا عدم ثبوت انتساب طفل به والدین برمی‌گردد. اگر نسب طفل احراز شود، یقیناً ارث نیز برایش ثابت می‌گردد ولی درحالی‌که شک در ثبوت نسب داشته باشیم و نتوانیم یقین حاصل نماییم، نمی‌توانیم به عموماً مربوط به ارث استناد کرده، او را شامل وراث بدانیم؛ زیرا عموم آیه «یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الأنثیین» شامل اولاد است و اگر در ولایت شبیه تردید باشد، تمسک به عام جایز نیست و اصل عدم دخول تحت حکم آیه است.

آیت‌الله آقای فاضل می‌فرمایند: اگر نطفه در رحم استقرار یابد، ولو یک روزه باشد، از بین بردن آن حرام است البته در مورد شیبیه‌سازی درمانی قضیه فرق می‌کند و اختلاف نظر وجود دارد که آیا از بین بردن جنین شیبیه‌سازی شده قبل از قرار گرفتن در رحم حرمت دارد یا خیر؟^(۳۴)

حضانة انسان شیبیه‌سازی شده

معنای لغوی و اصطلاحی حضانة

(حضن) (به کسر حاء) در لغت، کنار و گوش؛ اطراف شیء؛ دو طرف شب (ابتدا و انتهای آن)؛ و کمی پایین‌تر از زیر بغل تا تهی گاه نیز معنی می‌شود. معادل این واژه در فارسی آغوش و بغل است.^(۳۵)

وجه تسمیه حضانة برای پرورندگان و امر نگهداری طفل این است که «الحضن» در لغت عربی، زیر بغل تا تهی گاه یا سینه و فاصله دو بازو را گویند و چون مادر، طفل را در بین بازوان و سینه قرار می‌دهد، گفته می‌شود که حضانة نموده است

حاضن و حاضنه به مرد و زنی گفته می‌شود که امر سرپرستی و نگهداری، پرورش و تربیت کودک را به عهده دارند.^(۳۶)

قانون مدنی کلمه حضانة را تعریف نکرده است. به عقیده برخی از حقوق‌دانان حضانة عبارت است از: اقداری که قانون به منظور نگهداری و تربیت اطفال به پدر و مادر آنان اعطاء کرده است.^(۳۷)

از تعریف فقها در مورد حضانة می‌توان گفت که مفهوم فقهی آن از معنای لغوی دور نشده است و در تعریف حضانة گفته‌اند: حضانة به حاء، سرپرستی بر طفل و دیوانه و انجام آنچه که به مصلحت وی است از قبیل نگهداری و گذراندن در وقت خواب و برداشتن و شستن لباس او و مانند آن می‌باشد.^(۳۸)

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که در تعریف حضانة دو عنصر قابل ذکر است: یکی نگهداری و دیگری تربیت. در جمع‌بندی این مفهوم می‌توان گفت: حضانة، نگهداری طفل، مواظبت و مراقبت او و تنظیم روابط او با خارج است با رعایت حق ملاقات که برای خویشان نزدیک طفل شناخته شده است.^(۳۹)

با عنایت به کاربرد کلمه تربیت در تعریف حضانة توسط فقها و ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: هرگاه بر اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانة اوست صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند... هر تصمیمی را که برای حضانة طفل مقتضی بداند اتخاذ کند، در می‌بایم که در عقاید فقها و در حقوق مدنی ایران حضانة اختصاص به پرورش جسمی ندارد بلکه ناظر به حمایت روحی - اخلاقی طفل نیز هست.^(۴۰)

گستره افراد صالح جهت حضانة شیبیه

والدین

به موجب ماده ۱۱۹۸ قانون مدنی، حضانة کودک حق و تکلیف والدین می‌باشد. از نظر فقهی نیز شکی نیست که حضانة حق انحصاری والدین می‌باشد، گرچه در تکلیف بودن آن از ناحیه مادر تشکیک شده است؛ باین حال حق والدین مطلق نیست و در صورتی که دادگاه به این تشخیص برسد که ماندن طفل کنار خانواده، به سلامت و تربیت وی لطمه می‌زند و به مصلحتش نیست، می‌تواند در مورد حضانة او تصمیم دیگری اتخاذ کند (ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی).

الف) در صورت وجود رابطه زوجیت

در این حالت که صاحب هسته سلول جسمی و دهنده تخمک، پدر و مادر شیبیه به حساب می‌آیند طبیعتاً حضانة شیبیه نیز حق و

با توجه به حکم صریح ماده ۸۷۵ قانون مدنی در حالتی که پیش رویان پس از فوت صاحب هسته سلول جسمی، به وجود می‌آید، حکم به عدم الارث، صحیح‌تر است. چرا که در صورت ارث‌بری هم با حقوق دیگر وراثت تنافی دارد و هم معلوم نیست شیبیه‌سازی چه مدت بعد از مرگ صاحب هسته سلول جسمی اتفاق بیفتد؛ ممکن است، سالها بعد از آن، این عمل انجام شود که اگر به تحقق ارث در این حالت حکم نماییم موجب اختلال در نظام است و شبه مخالفت با نظم عمومی را نیز در پی دارد. از این رو هر چند در انتساب شیبیه به صاحب هسته سلول جسمی تردیدی وجود ندارد ولی از او ارث نمی‌برد.

وصیت در مورد انسان شیبیه‌سازی شده

معنای لغوی و اصطلاحی وصیت

وصیت به معنای توصیه و سفارش فردی با فرد دیگر است. وصیت از ریشه «وَصَّی» است که در لغت به معنای گیاهان به هم وصل شده و بافته شده آمده و «أَرْضُ وَاصِیة» یعنی زمینی که سراسر پوشیده از گیاه به هم متصل.^(۴۱)

«وصیت» در اصطلاح علم اخلاق با پند و موعظه سفارش کردن بر دیگری، جهت فرمان بردن و عمل نمودن است.^(۴۲) و در اصطلاح فقه این است که انسان، تملیک و واگذاری عین مال یا منفعت آن را بعد از وفات خودش به شخص دیگر یا عموم مردم سفارش کند؛ به طوری که تصرف در اموال وی بعد از مرگش برای دیگران مباح باشد.^(۴۳) «وصیت» عبارت است از برنامه‌های عهد و ایصال (رساندن) و آن همان چیزی است که به آن وصیت می‌شود؛ و «وصی» کسی است که متَّصِف به تعهد و ایصال باشد؛ این معنی بر «موصی (وصیت‌کننده)» که تعهد می‌کند، نیز صدق کرده و همچنین بر «موصی الیه» نیز صدق می‌کند که قبول إجراء تعهد نموده و تحقق رساندن وصیت به دست ایشان است.^(۴۴)

احکام وصیت در مورد انسان شیبیه‌سازی شده

حکم ماده ۸۵۱ قانون مدنی که به موجب آن وصیت برای حمل صحیح دانسته شده است، در مورد کودک شیبیه‌سازی شده نیز جریان خواهد داشت. منتها تملک طفل نسبت به موصی به منوط به این است که کودک زنده متولد شود. ماده ۸۵۲ قانون مدنی مقرر داشته است: اگر حمل در نتیجه جرمی سقط شود، موصی به به ورثه می‌رسد مگر اینکه جرم مانع ارث باشد.^(۴۵)

در این ماده فرض شده است که اگر جرم سبب سقوط حمل و تلف او نمی‌شد حمل زنده به دنیا می‌آمد و مالک موصی به می‌گردید. این فرض مبتنی بر حالت عادی و معمولی است که در آن، اگر حادثه‌ای اتفاق نیفتد، معمولاً حمل با گذراندن مراحل طبیعی خود، زنده متولد می‌شود. بدین جهت قانون او را مانند طفلی می‌داند که زنده متولد شده و شرط تملک موصی به را داشته است. در این صورت مثل یک انسان کامل با تلف شدن او موصی به به وارث او منتقل می‌شود؛ مگر اینکه جرم مانع ارث باشد، مانند آنکه وارث جنین اقدام به ارتکاب جرم منتهی به سقط کرده باشد. در مورد جنین شیبیه‌سازی شده نیز به نظر می‌رسد این ماده قانونی صادق باشد؛ زیرا سقط فرد شیبیه‌سازی شده نیز نزد اکثر علما حرام شمرده شده است. آیت‌الله مؤمن در این باره چنین می‌فرمایند: انداختن حمل، بی‌آنکه تفاوتی میان اقسام انعقاد نطفه باشد، کاری حرام است؛ زیرا ادله حرمت سقط شامل همه این اقسام [کودک آزمایشگاهی - کودک شیبیه‌سازی شده - کودک متولد شده از روش طبیعی] می‌شود.

طبقات دارندگان حضانت شیبیه

در حقوق ایران قانون‌گذار نسبت به حضانت طفل پس از ابویین تصریحی ندارد اما برخی از حقوق‌دانان درباره این مسأله اظهار نظر کرده و به طرق مختلفی راه حل ارائه داده‌اند. مثلاً برخی گفته‌اند: حق حضانت طفل در صورت فوت ابویین یا اقارب طفل حسب مراتب ارث است و وصی بر اقارب مقدم است زیرا محققین از فقها قائل به این قول می‌باشند.^(۷)

همچنین برخی از محققین بیان داشته‌اند که: «در صورت فوت پدر و مادر، حضانت به جد پدری و در صورت نبودن او به وصی واگذار می‌شود. ولی هرگاه از این گروه کسی نباشد، حضانت با قیم منصوب دادگاه است و در تعیین قیم نیز مطابق با ماده ۱۲۳۲ قانون مدنی خویشان کودک با داشتن صلاحیت مقدم هستند.» به‌هرحال، مسأله حضانت شیبیه در این حالت خصوصیت ویژه‌ای ندارد و مانند اطفال ناشی از تولیدمثل طبیعی خواهد بود.

نقشه انسان شیبیه‌سازی شده

الزام به نفقه یکی دیگر از مباحث مربوط به حوزه احوال شخصیه شیبیه است که باید در حالات مختلفه مورد تحقیق و تدقیق قرار گیرد. دوران استحقاق شیبیه برای تمتع از نفقه، شامل دوران قبل از تولد و دوران پس از آن است.

نفقه پیش‌رویان، جنین و حامل

واژه حمل، عربی است و جمع آن، احمال و حمال است چنان که در قرآن مجید در آیه ۴ سوره طلاق آمده است: *واولات الحمل أجلهن أن یضعن حملهن*^(۲۹). عده صاحبان حمل با وضع حمل‌هایشان سپری می‌شود. در تعریف آن گفته‌اند: ما تحمله الأنثی فی رحمها من الجنین^(۳۰)؛ یعنی آن چرا که زن از جنین در رحم خویش حمل می‌نماید. هم‌چنین در تعریف جنین گفته‌اند: جنین بچه‌ای را می‌گویند که در بطن مادر است و بطن مادر او را می‌پوشاند و از دید پنهان می‌دارد، جمع آن اجنه است.^(۵)

و قرآن در آیه سوره نجم می‌فرماید: *و إذ اتمم اجنه فی بطن امهاتکم و آنگاه که شما در شکم مادرانتان جنین‌ها بودید*^(۲۹). همه این مراحل، حمل است و تمام احکام حمل بر جمیع این مراحل جاری است. حمل عرفاً به جنینی اطلاق می‌شود که در داخل رحم در حال تکامل است و این عنوان به پیش‌رویان، مادام که خارج رحم است، صادق نیست. اگر این مسأله را بپذیریم، آنگاه نفقه‌ای که برای جنین باید پرداخت شود، شامل مراحل پیش‌رویانی خارج رحم نیست.

از اطلاق تعاریف حمل و جنین و مراحلی که قرآن کریم برای حمل در نظر گرفته است نیز بر می‌آید که مقصود از حمل و جنین، دوران استقرار در رحم است زیرا در مرحله اول قرآن در آیه ۱۴ سوره مؤمنون می‌فرماید: *ثم جعلناه نطفه فی قرار مکین و قرار مکین همان رحم است*^(۲۹).

با توجه به پذیرش نظریه نقش داشتن هسته سلول جسمی و تخمک در تکوین شیبیه و عدم نقش رحم در این رابطه، در واقع پیش‌رویان در خارج از رحم نیز یک انسان بالقوه است و از طرف دیگر انعقاد نطفه هم صورت گرفته است و بنابراین می‌تواند اهلیت تمتع از حقوق مدنی را داشته باشد (البته بسیاری از حقوق مدنی مانند ارث‌بری و تحقق وصیت بر او، مشروط بر این است که زنده متولد شود ولی تحقق نفقه چنین شرطی را ندارد و از زمان انعقاد، پرداخت نفقه بر پدر لازم است).

تکلیف آن‌ها است؛ که البته این خود نیز دو صورت دارد: صورت اول مربوط به زمان زوجیت و در حالتی است که پدر و مادر زندگی مشترک خود را ادامه می‌دهند؛ و صورت دوم مربوط به هنگامی است که رابطه زوجیت به دلایلی از قبیل طلاق، فسخ و... از بین می‌رود و بایستی در مورد حضانت شیبیه، تعیین تکلیف کنیم. در هر دو صورت فوق بین شیبیه و اطفال ناشی از تولیدمثل طبیعی هیچ تفاوتی وجود ندارد و به قواعد عمومی در این زمینه رجوع می‌شود. هم‌چنین ممکن است پدر یا مادر فوت کرده باشند که در این صورت ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی می‌گوید: «در صورت فوت یکی از ابویین حضانت طفل با آن‌که زنده است خواهد بود، هر چند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد». این حکم در موردی هم که پس از فوت پدر، ولایت به جد پدری می‌رسد قابل اجرا است.

ب) در صورت عدم وجود رابطه زوجیت

یکی از موارد شیبیه‌سازی مولد هنگامی است که هسته سلول جسمی از یک مرد گرفته شود و صاحب تخمک تهی شده به همراه رحم، یک زن باشد و رابطه زوجیت، بین این مرد و زن وجود نداشته باشد. در صورتی که نسب شیبیه تولید شده در این مورد را نیز محقق بدانیم و شیبیه را به پدر و مادر طبیعی ملحق کنیم حق و تکلیف حضانت نیز با استنتاج از اراده کلی قانون‌گذار جاری خواهد بود، زیرا قانون‌گذار حضانت را حق و تکلیف پدر و مادر می‌داند.

ویژگی خاص این مورد در این است که پدر و مادر این طفل از ابتدا رابطه زوجیت نداشته‌اند تا در صورت انحلال نکاح وظیفه حضانت به ترتیب بر عهده مادر و پس از هفت‌سالگی بر عهده پدر باشد؛ حکمی هم از طرف قانون برای این مورد بیان نشده است. از طرف دیگر مباشرت پدر و مادر طفل به‌صورت توأمان برای حضانت طفل به دلیل عدم رابطه زوجیت امکان‌پذیر نیست.

شاید بتوان این مورد را به موردی که زوجین از هم جدا می‌شوند ملحق دانست و حکم آن را برای حضانت شیبیه نیز جاری نمود؛ یعنی اولویت حضانت را تا هفت‌سالگی برای مادر و از آن پس برای پدر قرار داد. البته طبیعی است که هزینه‌های مربوط به حضانت شیبیه همواره بر عهده پدر می‌باشد؛ اما اگر صاحب تخمک تهی شده که مادر شیبیه است از ابتدا شوهردار باشد یا در مدت حضانت طفل به دیگری شوهر کند مطابق ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی با او رفتار خواهد شد و طفل جهت حضانت تحویل پدر می‌گردد.

ج) در صورت عدم وجود پدر برای شیبیه

یکی دیگر از اقسام شیبیه‌سازی مولد، جایی است که هسته سلول جسمی و تخمک تهی شده از آن یک زن باشد و به اصطلاح شیبیه فقط دارای مادر باشد. در این صورت حضانت طفل قطعاً بر عهده مادر است و حکم آن ملحق به موردی است که پدر طفل فوت نموده است. (مستفاد از ماده ۱۱۷۱ ق.م.)

یک مورد دیگر نیز ممکن است اتفاق بیفتد و آن هنگامی است که صاحب هسته سلول جسمی یک زن و صاحب تخمک تهی شده زن دیگر باشد که در این حالت به نظر نگارنده مادر نسبی کسی است که صاحب تخمک است و بنابراین حضانت نیز بر عهده اوست؛ اما اگر قائل به وجود دو مادر نسبی برای طفل باشیم علی‌الظاهر حضانت حق و تکلیف هر دو است و به نظر می‌رسد مصالحه در این زمینه بهترین راه حل باشد؛ ولی اگر مصالحه هم ممکن نبود قانداً حکم قرعه جاری خواهد بود.

در شبیه‌سازی مولد جاری می‌شود و این وظیفه بر عهده زنی است که با طفل رابطه نسبی دارد.

نقشه شبیه

شبیه، فرزند پدر و مادری است که در تکون او نقش داشته‌اند و پدر صاحب هسته سلول جسمی است؛ بنابراین نفقه شبیه طبق ماده ۱۱۹۹ ق.م. بر عهده پدر است. در این صورت فرقی نیست که بین پدر و مادر شبیه رابطه زوجیت وجود داشته باشد یا خیر. مهم تحقق ارتباط و قرابت نسبی بین طفل و پدر و مادر اوست. در صورتی که پدر شبیه از دنیا برود این وظیفه بر عهده اجداد پدری با رعایت الاقرب فالاقرب خواهد بود.

اما حالت دیگری نیز قابل تصور است و آن هنگامی است که شبیه از ابتدای تکون فقط مادر داشته باشد و هسته سلول جسمی نیز از طرف یک زن تأمین شده باشد. در این حالت قسمت اخیر ماده فوق راهگشاست و نفقه را بر عهده مادر قرار می‌دهد. هرگاه مادر هم زنده و یا قادر به تأمین انفاق نباشد، با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری واجب‌النقحه است، حال اگر چند نفر از اجداد یا جدات مزبور از حیث درجه اقربیت مساوی باشند، نفقه را باید به حصه مساوی تأدیه کنند.

نتیجه‌گیری

شبیه‌سازی انسانی پدیده‌ای نو و جدید در عرصه علوم ژنتیک می‌باشد که به‌منظور باروری زوجین نابارور ایجاد شده است و جلوه‌ای از فناوری‌های توالدی کمکی اطلاق می‌گردد. شبیه‌سازی از جمله مسائل مستحدث و حاصل تحولات علمی و فناورانه قرن حاضر است که در دنیای امروز مورد توجه جوامع مختلف قرار گرفته و در قلمرو علوم پزشکی و حقوق، بحث‌های زیادی را ایجاد کرده است. برای این پدیده آثار و احکامی وجود دارد که توجه به آن‌ها ضروری است.

نسب انسان شبیه‌سازی‌شده در صورت‌های مختلف به پدر و مادر طبیعی خود منتسب است؛ زیرا نسب حقیقت شرعی نیست که شرایط و لوازم آن از سوی شارع مقدس تعیین شده باشد، بلکه مفهومی عرفیه است و عرف هر کسی را که پدر و مادر شبیه بداند، شبیه به آن فرد منتسب و ملحق خواهد شد که این نکته از طریق استدلال رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور درباره چگونگی نسب عرفی ولدالزنا قابل استناد است. در رابطه با تحقق نسب شرعی فرد شبیه‌سازی‌شده، می‌توان به تحقق نسب در شبیه‌سازی انسانی حکم نمود و بنابراین دهنده هسته سلول جسمی اگر مرد باشد، پدر شبیه و صاحب تخمک تھی شده در هر صورت مادر شبیه شناخته می‌شود.

در خصوص اینکه شبیه‌سازی مولد بین زن و مرد بیگانه، حلال است یا حرام، باید گفت که این مبحث جدای بحث نسب است؛ یعنی اگر بر خلاف نظر برگزیده، قائل به عدم مشروعیت امتزاج هسته سلول جسمی مرد و تخمک تھی شده زن بیگانه و ورود به رحم زن باشیم، باز هم نمی‌توان گفت که برای شبیه متولد شده، نسبی وجود ندارد، یعنی این عمل به تحقق نسب لطمه‌ای وارد نمی‌کند. همچنین برای انصراف از مفهوم عرفی نسب و اعلام عدم مشروعیت در شبیه‌سازی مولد بین زن و مرد بیگانه، دلیل اجتهادی وجود ندارد و قیاس با بحث زنا نادرست است، در نتیجه در این حالت نیز، شبیه به پدر و مادر خود منتسب و ملحق خواهد بود.

نقشه دوران حاملگی در حالت وجود پدر

در اینجا به بررسی نفقه جنین در دوران حاملگی در حالتی می‌پردازیم که هسته سلول جسمی از طرف یک مرد تأمین شده باشد که او را از نظر نسبی، پدر طفل به حساب آوردیم.

الف) وجود رابطه زوجیت

مطابق ماده ۱۱۹۹ ق.م. نفقه اولاد بر عهده پدر و مادر و پس از آن، با اجداد پدری و پس از آن بر عهده مادر است. این ماده شامل زمان جنینی نیز می‌گردد زیرا واژه اولاد اطلاق دارد و شامل هر دو زمان جنینی و پس از تولد است. از طرف دیگر یکی از موارد نفقه، نفقه بر اقارب است و قرابت اعم از زمان تولد و قبل از آن است (مستفاد از ماده ۱۱۹۹ ق.م). آنچه مسلم است، نفقه جنین با نفقه زوجه در هم تنیده است و با وجود رابطه زوجیت از این جهت مشکلی وجود ندارد.

ب) عدم وجود رابطه زوجیت

هنگامی که رابطه زوجیت بین پدر و مادر شبیه وجود نداشته باشد، باز هم چون قائل به تحقق نسب هستیم، نفقه جنین بر عهده پدر است و باید پرداخت نماید؛ سؤالی که در اینجا مطرح است این که آیا در این حالت، نفقه برای جنین است یا برای حامل؟ پاسخ مسأله را باید با بررسی مواردی که زوجین در باروری طبیعی از هم جدا می‌شوند، به دست آورد.

در تولیدمثل طبیعی، نفقه جنین بر عهده پدر است و زوج مکلف است نفقه او را نیز به زوجه پرداخت کند، هر چند زوجه مطلقه و یا در عده طلاق باشد، یا حتی مطلقه بانه باشد. این مسأله در قسمت اخیر ماده ۱۱۰۹ ق.م. منعکس شده است که اشعار می‌دارد: «... مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت.»

از ظاهر قسمت اخیر ماده فوق، به دست می‌آید که نفقه برای زوجه است زیرا خطاب ماده در مورد زوجه تا زمان حمل است که حق نفقه دارد. از طرف دیگر مشهور بین فقهای امامیه نیز این است که نفقه برای حامل است^(۱۶).

حال در مورد انسان شبیه‌سازی‌شده نیز، اگر رابطه زوجیتی موجود نباشد و صاحب هسته سلول جسمی را پدر بدانیم باید نفقه حمل از طرف او پرداخت شود و این نفقه از آن جنین شبیه‌سازی‌شده است، هر چند باید به زن صاحب تخمک تھی شده و رحم داده شود تا از طریق تغذیه به جنین برسد. چه این که بعد رابطه مرد و زن در این مورد، بیشتر از طلاق بانه است که زمانی رابطه زوجیت برقرار بوده و در همان زمان نطفه منعقد شده است.

نقشه دوران حاملگی در حالت وجود مادر، به‌تنهایی

این صورت از شبیه‌سازی، مربوط به هنگامی است که هسته سلول جسمی از طرف خود صاحب تخمک تھی شده و رحم تأمین شود و یا از طرف زن دیگر. به‌هرحال رابطه نسبی طبق آنچه گذشت، بین جنین و مادری که صاحب تخمک و رحم است برقرار می‌گردد و از آنجا که اسباب و موجبات نفقه منحصر در زوجیت، قرابت یا ملکیت است و برای زنی که صاحب تخمک بوده قرابت نسبی با شبیه مطرح است، باید او را مسؤول تأمین نفقه دانست؛ زیرا زن دیگر که صاحب هسته سلول است، رابطه نسبی با جنین ندارد و بنابراین نفقه‌ای بر گردنش بار نمی‌شود. قسمت اخیر ماده ۱۱۹۹ ق.م. اشعار می‌دارد: «... در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آن‌ها نفقه بر عهده مادر است.» بی‌هیچ تفسیر موسعی حکم ماده فوق برای جنین در حالتی که پدر وجود ندارد،

انعقاد نطفه صورت گرفته است، لذا باید گفت که نفقه وی از زمان پیش رویانی در خارج از رحم بر عهده پدر می‌باشد. همچنین در صورتی که زن و شوهری بین زن و مرد ایجادکننده انسان شبیه‌سازی شده وجود نداشته باشد، باز هم چون قائل به تحقق نسب هستیم، نفقه جنین بر عهده پدر است.

منابع

1. Haram Ameli, Sheikh Mohammed bin Hassan, Wassal al-Shi'a, Qom, Al-Albit Institute (AS), Second Edition, 1414 AH, JH, Bab al-Waleed al-Haqq al-Qa'ida, and An-Khan La Yashba and Waleishbeh al-Aqarbeh.
2. Ephram Bastani, Fouad, Monjad Talab, Arabic-Persian Dictionary, Translated by Mohammad Bandar Beigi, Islamic Publications, Tehran, 2010.
3. Mostafavi, Hassan, Research the words of the Holy Quran Volume 12, Tehran Ministry of Culture and Islamic Guidance, 1989.
4. Nasser Moghaddam, Hossein, Investigation of Jurisprudential Orders in a Child Born of Alternative Uterus, Journal of Reproduction and Infertility, Spring 2008.
5. Ragheb Esfahani, Hussein Bin Mohammed, Al-Muftrat al-Gharib al-Qur'an, First Edition, Damascus: Dar al-Alam Eldar al-Shamiya Publications, 1991.
6. Firouz Abadi, Majd al-Din, al-Qamus al-Mutheh, al-Rasala Institute of Lalbaba'a and al-Nusra and al-Tawziyyah, District 1, Beirut: Lebanon, 2005.
7. Emami, Seyyed Hassan, Civil Rights, Tehran: Islamiya Bookstore, 1995;10(10)
8. Katouzian, Nasser, Family Law, Tehran: Publishing Company, 1992;3(3)
9. Safaei, Seyed Hossein Emami, Asadollah, Family Law Tehran University Press, 2002;1(3)
10. Mohagheq Hali, Ja'far ibn Hassan, Martyr Sani, Masalak al-Faham, The Encyclopedia of Islam, Qom, 1992:1.
11. Tabatabai, Seyyed Ali, Riyadh al-Masa'il, Q1, Qom: Al-Albit Institute (AS), 1997
12. Ansari, Sheikh Morteza, The Treatise on Al-Mu'arrat, Qom, Commemoration of Sheikh Azam Ansari, 1415:1.
13. Ghazvini, Seyyed Alavi, The Legal Works of Artificial Insemination, Quoted in: Mohammad Roshan and Asif Hamdollahi Afkand, Contract on the Use of Alternative Uterus in Imamieh Jurisprudence and Iranian Law with a Comparative Study in French Law, MSc, Faculty of Islamic Studies and Law of Imam Sadegh University, 2008.
14. Naraq, Mullah Ahmad, The Shiite Documentation on the Decisions of the Shari'ah, Ayatollah Marashi Publications, 1984;1.
15. Fazel Lankrani, Mohammad Javad, Jurisprudence Study of Artificial Insemination,

در زمینه اهلیت انسان شبیه‌سازی شده می‌توان گفت که احکام موجود برای شبیه کاملاً یکسان با طفل تولیدمثل شده به روش طبیعی است. شبیه مانند سایر افراد در دوران جنینی دارای حق تمتع از حقوق مدنی بوده و در صورتی که به سن بلوغ برسد می‌تواند حقوق مالی خود را اعمال نماید، مگر اینکه به علت جنون یا سفه اهلیت استیفا آن‌ها در حدودی که شرح داده شد زائل شود.

در زمینه ارث مادری انسان شبیه‌سازی شده، باید گفت که زنی که صاحب تخمک تهی شده می‌باشد می‌تواند عوامل وراثتی را از طریق تخمک به شبیه منتقل نماید و به خاطر اینکه هم صاحب تخمک است و هم عوامل وراثتی را منتقل می‌کند، از نظر عرف مادر انسان شبیه‌سازی شده محسوب می‌شود. بر این اساس، در صورتی که صاحب هسته سلول جسمی بجای مرد، زن دیگری باشد، وی نمی‌تواند مادر شبیه محسوب شود. از این رو می‌توان گفت آنچه در نسب مادری مهم است ایفای نقش در تکون و وراثت از طریق تخمک می‌باشد.

ارث انسان شبیه‌سازی شده مانند نوزاد تولیدمثل شده به روش طبیعی می‌باشد و شبیه بعد از مشخص شدن نسب، از پدر و مادر خود ارث می‌برد. همچنین در صورتی که صاحب هسته سلول جسمی به جای مرد، زن دیگری باشد، این زن مادر انسان شبیه‌سازی شده تلقی نشده و هیچ‌گونه ارثی بین این زن و شبیه برقرار نیست. در واقع انسان شبیه‌سازی شده تنها از مادر خود که صاحب تخمک تهی شده است ارث می‌برد.

در صورتی که عمل لقاح و تولید پیش رویان بعد از فوت اصل (صاحب هسته سلول جسمی) صورت گیرد، به طوری که پیش رویان در زمان حیات یا حین الموت منعقد و موجود نبوده، بلکه پس از آن پدید آمده باشد، حکم به عدم توارث بین شبیه و اصل، صحیح‌تر می‌باشد. این حکم با صراحت ماده ۸۷۵ ق.م.د. درباره منعقد نبودن نطفه حین الموت سازگاری تام دارد چه اینکه نطفه شبیه مذکور در زمان فوت اصل منعقد و موجود نبوده است. از دیگر سوی، در صورت تحقق توارث، با حقوق دیگر وراثت نیز منافات دارد، زیرا که معلوم نیست شبیه‌سازی چه مدت بعد از مرگ اصل اتفاق بیفتد؛ ممکن است سال‌ها بعد، این عمل از طریق هسته سلول منجمد شده انجام گیرد.

در مورد وصیت انسان شبیه‌سازی شده، حکم ماده ۸۵۱ قانون مدنی که به موجب آن وصیت برای حمل صحیح دانسته شده است، در مورد کودک شبیه‌سازی شده نیز جریان خواهد داشت. منتها تملک طفل نسبت به موصی به منوط به این است که کودک زنده متولد شود. ماده ۸۵۲ قانون مدنی مقرر داشته است: «اگر حمل در نتیجه جرمی سقط شود، موصی به به ورثه می‌رسد مگر اینکه جرم مانع ارث باشد».

احکام حضانت انسان شبیه‌سازی شده تماماً مانند طفل تولیدمثل شده به روش طبیعی می‌باشد. در واقع حضانت انسان شبیه‌سازی شده حق و تکلیف پدر و مادر وی است. در صورتی که پدر و مادرانشان شبیه‌سازی شده با یکدیگر نسبت زن و شوهری نداشته باشند، حکم حضانت به صورتی است که در تولیدمثل طبیعی، زن و مرد از هم جدا شده باشند. همچنین در صورت وجود نداشتن پدر برای انسان شبیه‌سازی شده، حکم حضانت به این صورت است که در تولیدمثل طبیعی، پدر طفل فوت نموده و مادر وظیفه حضانت را بر عهده دارد.

در مورد نفقه انسان شبیه‌سازی شده، با توجه به اینکه پیش رویان در خارج از رحم نیز یک انسان بالقوه است و از طرف دیگر

32. Mostafavi, Hassan, Al-Karim al-Karim Al-Karim, Tehran: Book Publishing Company, 1981;13.
33. Mansour, Jahangir, Civil Law, Tehran: Visiting, 2006;33
34. A group of scholars of the field, Finding and Hidden Angles of Simulation, Jurisprudence: A New Exploration of Islamic Jurisprudence, 2006;47
35. Ibn Fars, Ahmad bin Fars, Mu'ajim al-Moghayas al-Laghah; Scholar: Aaron, Abdul Salam Muhammad, Qom: Al-Islam Al-Islami School, Al-Nusra Center,1981;1.
36. Martyr Sani, Zayd al-Din Ibn 'Ali, al-Rawzah al-Baha'i fayat al-Maslah al-Mashqiyah, Beirut, Dar al-Ahaya al-Thras al-Arabi,1991;1(2).
37. A Collection of Authors, Al-Fiqh al-Fiqhiyyah, containing 45 volumes or volumes, published in two places, Kuwait (Dar al-Salasl Publications), Egypt (Al-Sufi Religious Publications), 2010 ;7.
- Imam Ahari Jurisprudence Center (PBUH), first edition, available at <http://www.j-fazel.org>.
16. Najafi, Mohammad Hassan, Jawahar al-Kalam fi Description of al-Shariah al-Islam, Seventh Edition, Beirut, Al-Tharath al-Arabi Revival Publication 3(31);17
17. Majlesi, Allameh Mohammad Bagher, Bahar al-Anwar, JC, Qom, Computer Science Research Center of Islamic Sciences, Ahl al-Bayt Comprehensive Jurisprudence Software, 2008.
18. Hosseini Kh, Javad, Artificial Insemination from the Perspective of Jurisprudence and Law, Daneshghodan Journal, 2004;2
19. Unity in Procedure No. 3 dated 3/4/7 of the Supreme Court of the State, Quoted by: Seyyed Hossein Safaee and Seyyed Morteza Ghasemzadeh, Civil Rights (Persons and Entrepreneurs), Tehran, samt Publishing., 2007;13.
20. Khoini, Ghafour; Sohrabi, Marjan, Human Simulation from Imam Khomeini's Viewpoint, Matin Research,2(2).
21. Tabatabaei Lotfi, Esmat al-Sadat, Human Simulation - Jurisprudential Rulings and Legal Consequences, Journal of Legal Thoughts, No. 2.
22. Haeri, Sayyed Kazem, Human Simulation, Ahlul-Beit's Jurisprudence Special Issue, Fall 2008;55
23. Islami, Seyyed Hassan, Human Simulation from a Shi'ite Perspective (Review of Four Views), Jurisprudence Quarterly (New Research in Islamic Jurisprudence), Summer 2005; 44.
24. Roshan Mohammed, and Hamdollahi Afkand, Asif, Contracting the Use of Alternative Uterus in Imamieh Jurisprudence and Iranian Law with a Comparative Study in French Law, M.Sc. Faculty of Islamic Studies and Law, Imam Sadiq University, 2008.
25. Ayatollah Shirazi, Elastansakh al-Bashri fi ry al-amam al-Shirazi, issue 2, available at al-Nabi school base at: www.annabaa.org
26. Ayatollah Seyyed Abulqasim, Sarai al-Naja (Al-Zawawi al-Tabrizi), First Edition, Volume 3, Qom: The School of Publishing,1995;1(3).
27. Jafari Langroodi, Mohammad Jafar, Civil Rights Course (Obligations Law), Tehran Knowledge Treasure Library, 1989
28. Makarem Shirazi, Nasser, New Estefatahat, Qom, Ali bin Abi Talib School Publications, Volume II.
29. The Holy Quran
30. Ibn al-Mutaq, Muhammad ibn Makaram, Lassan al-Arab, vol. 3, Third Edition, Beirut, Sadr Publishing,1993;3(3)
31. Tarihi, Fakhroddin, Al-Bahrain Assembly, Qom: Mortazavi,1995;3(6).